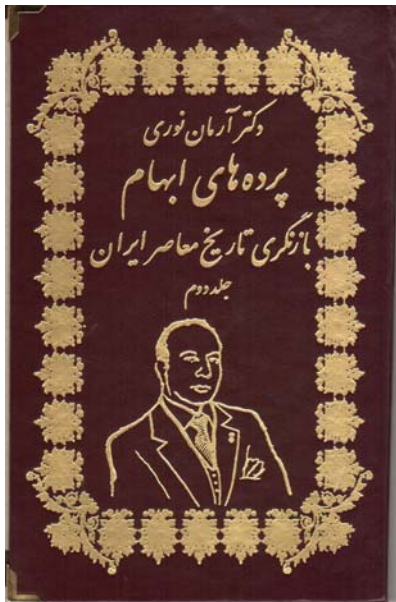


کتاب پرده های ابهام

بازنگری تاریخ معاصر ایران

جلد دوم



این کتاب برای فرزندان ایرانزمین بخصوص نسل جوان تهیه و تدارک دیده شده است تا بخوانند و آگاه شوند و پند بگیرند و پندار، گفتار و کردار نیک را چراغ راه خویش سازند.

بررسی علل شکست و سیه روزی ملت ایران در تاریخ معاصر، وقوع فاجعه ۵۷ و استمرار آن توسط مزدوران داخلی و خارجی انگلیس و آمریکا و شکست های پی در پی میهن پرستان برای نابودی احشام مذهبی در ایران و مبارزه من و همسنگرانم علیه دشمنان ایرانزمین، باعث آفرینش سازمان پارس و شورای براندازی شد که آن، یگانه گردید در جنبش ایرانپرستانه و دیوبرافکن علیه انیران کژاندیش. این مسئولیت خطیر، ما را بر آن داشت تا رویدادها و گذر تاریخ معاصر را مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار دهیم و نگرش ایرانپرستانه خویش را به دور از بغض و کینه، عادلانه ولی با تیربینی ایرانی تبار بر گذرگاه تاریخ در مورد عملکرد مسئولین و رجال وقت افکنیم و به داوری برخیزیم. سودای نجات ایران ما را بر آن داشت که با اجنبیان استعمارگر سودجو، مزدوران داخلی و خارجی آنها و نمایش و جوسازی، شخصیت سازی، اسطوره آفرینی و در نهایت با جنگ تبلیغاتی و دروغین آنها به چالش برخیزیم. نگرش عمیق و بی پروا در گذرگاه زمان از زوایای گوناگون در امور سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ایران در عهد محمد رضا شاه پهلوی که منجر به سلطه شوم شیاطین مذهبی، این ملایان اهل عمامه و جنایتکار بر ایران شد، به ما آن امکان را داد که کاستی ها و فرومایگی های عده ای به نام رجال ایرانی و احزابی به اصطلاح مخالف و موافق که مزدوری بیگانه را کرده اند، شناسایی کرده و آنان را در مقابل تاریخ و پیشگاه ملت ایران رسوا نماییم.

جستجو در روند تشکیل احزاب بی مایه، بی پایه و مزدوری چون حزب توده نفتی - انگلیسی که درس خیانت و بی وطنی را به ناآگاهان فرومایه ای به اصطلاح ایرانی آموزش می داد نمایان ساخت که این روش و اندیشه ضدملی و میهنی به همه احزاب و گروههای دیگر مانند جبهه ملی و دیگر گروههای منشعب از چپ و راست دولتی و غیردولتی و مارکسیست های اسلامی و گروههای تروریستی مذهبی و غیرمذهبی انتقال و سرایت نمود و بیگانگان سودجو به کمک آنها کشورمان را به سیه روزی و تباهی رهنمون ساختند و ثروت و سرمایه این مرز پرگهر را به یغما بردند و از فرزندان میهن پرست و مبارز قربانی گرفتند.

در روند چنین اندیشه خیانت و مزدوری به اصطلاح روشنفکرانه بود که استعمارگران، سناریوی فاجعه ۵۷ را با حمایت همه گروهها، احزاب به اصطلاح ملی و غیرملی، چپ و راست بی پایه و بنیاد و حتی رجال مسئول وقت که در شبکه های مزدوری فراماسونری جهانی عضویت داشته اند و سرسپرده استعمارگران سودجوی غربی بودند، به اجرا درآوردند و ملایان فرومایه، دزد، متحجر و جنایتکار را بر کشور شکوهمندمان ایران حاکم ساختند.

استعمارگران در سیستم مزدوری خود خواه از گرایش سرمایه داری یا به قولی راست گرا و خواه از طرفداران کمونیست و چپگرا، در فریب مردم تاریخ اندیش و توده های بی اطلاع و بی مایه بهره گرفته و می گیرند. با نگرش تاریخی به عملکرد این اندیشه ها در مسیر مزدور و جاسوس پروری توده های تهی اندیشه و بی پایه، پی خواهیم برد که جهان استعمار و بیگانگان ایران ستیز از این روند بسی سود برده اند و ایران و مردم آن را به سیه روزی کشانده اند و چنین است که این دو سیستم ویران کننده و مزدورپرور در مسیر نابودی میهنمان فعال بوده اند. از این رو می باشد که بیگانگان و جهان استعمار از هر دو این

سیستم حمایت کرده اند و زمینه و مورد تبلیغ و نشر آنان را فراهم آورده اند. این تجربه ما را بر آن داشت که آن فرزانه این کلام را بگوییم که «ایران اهورایی چپ و راست نمی شناسد». روند سیستم مزدورپرور چپ و راست باعث شده است که نیروهای مثبت میهنی در تداخل سناریوی چالش بی بهره چپ و راست خنثی شده و نتوانند برای میهن و مردمشان مفید واقع گردند.

اکنون مدت سی سال است که حکومت جبار اسلامی بر گرده مردم شریف ایران سوار است. علل وقوع این فاجعه غم انگیز و ایران بر باد ده، یکی از نقاط کور و تاریک تاریخ ایران محسوب می شود که بارها مورد بحث و نظرات گوناگون قرار گرفته است و نوشتارهای بی شماری در این زمینه انتشار یافته است که کمتر بی نظر و راسخ، این رویداد تاریخی را مورد بررسی قرار داده اند. البته در این مختصر جایی برای انتقاد و مقایسه آنها نیست ولی جلد دوم کتاب پرده های ابهام با همه آنها متفاوت و از همه آنان ممتاز و در نوع خود بی نظیر و ارزشمند است و در واقع گرای، واقع گویی و واقع بینی اثری منحصر به فرد می باشد.

تصاویر، اسناد و مدارکی که در این اثر مورد بهره گیری قرار گرفته است، مهر تأیید بر نوشتار آن دارد. در اینجا می بایست اشاره نمود که روشنگری ها و مطالب تحقیقاتی ریشه ای و یگانه این اثر، از مشاهدات و تجربیات من در نظارت بر اوضاع پیش و پس از فاجعه ۵۷ بوده است. من طی مسئولیت خویش در نخست وزیری زمان محمدرضا شاه پهلوی و مشاهده عملکردهای مسئولین وقت و ارگان های نظامی و امنیتی کشور و چگونگی همگامی و همراهی آنان برای نابودی ایران، به واقعیت هایی پی بردم که بسیاری از طرفداران نظام پادشاهی حاضر به قبول آن نیستند. ولی این واقعیت ها هرچند که تلخ و آزار دهنده است، می بایست مورد پذیرای همگان باشد تا از تجربه پند آموخته و آینده را بر راستی و نیکی استوار سازیم.

تجربه مبارزاتی و تحقیقاتی من قبل و بعد از فاجعه ۵۷ خلاصه شده در چهار کتاب می باشد که به ایرانپرستان تقدیم نموده ام. در این سالها بسی رنج و شکنجه، زندان و خطر مرگ را به جان خریدم و سرفرازانه علیه دشمنان ایرانزمین در نبرد بوده ام. جلد دوم کتاب پرده های ابهام، چگونگی طرح و اجرای سناریوی به نابودی کشیدن ایران را در سال ۵۷ و همچنین نقش ایران برباد ده گروههای سیاسی - اجتماعی مزدور و بیگانه پرست و رجال خائن وقت را بر ملا می سازد. این یگانه اثر با حفظ امانتداری و با روش نگارش مردم گرایانه و میهن پرستانه، با طرحی بی مانند و تفصیل و دقتی کافی نگاشته شده است که هر شخص فهیم و بی غرضی را به تفکر وادار می دارد و هر خواننده ای را با تمام حقایق تلخ ویران کننده میهنمان آشنا می سازد.

در این اثر تا آنجا که مقدور بوده است، جان کلام به نشر درآمده است تا همگان بتوانند از روشنگری ها و حقایق تاریخی میهن خود آگاه شوند. آنچه در این کتاب به صولت نگار در آمده است مبنی بر تجربه، مدارک، شواهد، اسناد و تصاویریست که در این گنجینه اسرار مکتوم است. در کشف اسرار رویدادهای سه دهه اخیر، نماد میهن پرستی، تجربه بی پیلایش، نگرش تیزبینانه در تحقیق و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک، ما را به آفرینش این اثر یاری داد. بررسی اسناد وزارت خارجه ایران، انگلیس، آمریکا و فرانسه و همچنین کتاب هایی که به زبان های بیگانه، زوایایی از راستی جریانات گذشته سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ایران و مسئولان خارجی و ایرانی را مورد بحث قرار داده بود نیز در نشر بی پروا و روشنگرانه این اثر مهم مؤثر بوده است.

جلد دوم کتاب پرده های ابهام در نگاه به ایران، حاوی واقعیات پرده برداری شده است و افسانه پردازی به هیچ عنوان در آن وجود ندارد. البته با خوانندگان تیزهوش و صاحب نظر و میهن پرست است که در بررسی این اثر، اهمیت مطالب را سنجیده و به نیکی و راستی و با عرق میهن پرستانه به تجزیه و تحلیل آن بپردازند.

هدف به انجام رسانیدن مسئولیت خطیر نبرد با اهریمن و شیاطین مذهبی، مرا واداشت که به صورت ریشه ای، عملکرد و وقایع تاریخی را مورد بررسی قرار داده و در آگاهی دادن به نسل جوان در شناسایی رجال و دجالان سیاسی - اجتماعی تاریخ معاصر کوشا باشم و راه رسیدن به ایران آزاد، آباد و سرفراز را با شناسایی ایران ستیزان هموار نمایم تا پس از آن همیار و همگام و همبسته با فرزندان واقعی ایرانزمین بتوانیم با یک نبرد همگانی در روز قیام ملی، شر شیاطین مذهبی را از میهن اهورایی مان پاک نماییم. نسل جدید و آینده باید بدانند، چه کسانی مسئول سیه روزی آنان بوده اند. شاید دیگران نیز تجربه آموزند و به این حقیقت آگاه شوند که هرگز آفتاب راستی در پس ابر ریا باقی نمی ماند و دیر یا زود خائنین به این مرز و بوم رسوا شده و در پیشگاه ملت ایران بی آبرو خواهند شد و مورد مجازات قرار خواهند گرفت. باشد که دیگر کسان در پندار و گفتار و کردار و فلسفه نیک زیستی خویش تأملی وافر نموده و راستی، نیکی و زیبایی زندگی را برای خویش و هم میهنان خویش به ارمغان آورند تا در آینده رسوا و سیاه کارشان نخوانند.